

اشاره:

مسأله فرهنگ را جدی بگیرید. مسأله صف‌آرایی در برابر دشمن را جدی بگیرید. این وظیفه ماست. این، آن چیزی است که اگر در راه آن کشته شویم هم، در راه خدا کشته شده‌ایم. مسأله، مسأله کوچکی نیست. دشمن با انواع وسایل فرهنگی ما را محاصره می‌کند، پس نظام اسلامی بایستی از خودش دفاع کند و برای این دفاع از حقیقت اسلام و از حقیقت انقلاب؛ سرمایه و ذخیره فرهنگی بسیار دارد.

بایدها و نبایدهای حوزه فرهنگ در نگاه رهبری انقلاب

فرهنگ، اکسیژنی محبوب در کپسول زونکن‌ها

زهرا عابدی سقا



- فرهنگ امری پایدار است که به سختی متحول می‌شود؛ اما این دشواری به معنای ثبات همیشگی فرهنگ نیست؛ بلکه تغییر شرایط زندگی اجتماعی، دگرگونی محیط طبیعی و دخالت‌های انسانی، سبب تغییر در حوزه فرهنگ می‌شود؛ با این وصف فرهنگ در عین پایداری، دائماً در حال تغییر نیز هست.

- فرهنگ در میان اجتماع انسانی عمومیت دارد؛ لذا امری فردی به حساب نمی‌آید. این عمومیت گاهی منحصر به اجتماعی خاص نیست و گاه از جامعه‌ای تا جامعه دیگر تفاوت‌هایی آشکار دارد.

- فرهنگ؛ یا واقعی است و یا ایده‌آل. فرهنگ واقعی با فشارهای بیرونی به مردم، تغییر نمی‌کند؛ چرا که ضمانت اجرای اصلی هر فرهنگی؛ خود مردم، تمایل و تعلق ایشان به یک فرهنگ است. پاداش یا طرد شدن ناشی از عمل کردن یا عمل نکردن به یک فرهنگ، همان ضمانت اجرایی است که فرهنگ واقعی جوامع را شکل می‌دهد.

- هر فرهنگی نمودی از جهان‌بینی خاص مردمی است که به آن پایبند هستند. جهان‌بینی مردم در طول تاریخ، تبدیل به باور می‌شود؛ باورهایی که الگوهای اجتماعی زندگی بشر را شکل داده و ضمانت اجرای مربوط به آن را طرح‌ریزی می‌کنند. هر چند این باورها دائمی و همیشگی نیستند، اما در هر دوره‌ای، سایه قضاوت‌های ارزشی ناشی از این باورها، بر سر فرهنگ سنگینی می‌کند.

با این وصف، فرهنگ با ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فردش، در حیات بشری جایگاهی خاص دارد. پس نمی‌توان به سادگی از کنار استعمار نوین - که همان استعمار فرهنگی جوامع است - گذشت و نگران تسخیر روح و قلب و فکر جوامع نبود؛ چرا که تسلط فرهنگی بر افراد جامعه، راه را برای تسلط‌های سیاسی، اقتصادی و... باز می‌کند و زمینه استعمار جوامع تحت سلطه را فراهم می‌آورد. پر بیراه نیست اگر ادعا کنیم، آنجا که روح یک ملت در اختیار صاحبان قدرت قرار می‌گیرد، دیگر تلاش جهت سلطه نظامی امری بی‌معناست؛ چه، در این شرایط، جوامع تحت سلطه، خود را بی‌هیچ مقاومتی در اختیار مطامع ابرقدرت‌ها قرار می‌دهند و بی‌شک همین تفکر سبب شده است که ممالک سرمایه‌داری، طرح استحاله درونی و تهاجم فرهنگی را به مثابه بهترین راه برای تسلط بر ملت‌ها دنبال کنند.

از دیگر سو، رهبران کشورهایی که هدف اصلی این حمله هستند، با هشاری نسبت به آن اعلام موضعی داشته‌اند. امام خمینی علیه السلام درباره مبارزه با تهاجم فرهنگی این‌گونه فرموده‌اند: «ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید! پناهنده و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت‌ها را از مملکت خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلامی را اعاده کنید و دست از اختلافات و هوای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده بتازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشنفکران اجیر شده، بلایی بر سر ملت و مملکتشان آورده‌اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذشته است. امروز زمانی است که ملت‌ها باید چراغ

فرهنگ به مثابه جزئی تفکیک‌ناپذیر از حیات بشری، همواره یکی از مظاهر اصلی جوامع انسانی به شمار می‌رفته است. ماهیت ارتباطی عصر حاضر، سبب دگرگونی‌هایی در حوزه فرهنگ شده است؛ دگرگونی‌هایی که با اغماض می‌توان آن را «برخورد فرهنگی» نامید، اما حقیقت امر آن است که ما بیش از این‌که با برخورد میان فرهنگی مواجه باشیم، شاهد تهاجم فرهنگی هستیم؛ تهاجمی که از سوی ملل سرمایه‌داری ترتیب داده شده است و هدفی جز استقرار نظم نوین جهانی ندارد؛ نظمی که در پی تسلط مادی و معنوی ابرقدرت‌ها بر سایر ملل است و از اساس در همین راستا طرح‌ریزی شده است. گفتنی است طراحی این حمله، سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد تا جایی که در بیانات امام خمینی علیه السلام و نیز مقام معظم رهبری، بارها و بارها با عناوین مختلفی؛ چون: شیبخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی و... نسبت به آن هشدارهایی داده شده است.

ماهیت فرهنگ

درباره فرهنگ تعاریفی متعدد از اندیشمندان حوزه‌های مختلف ارائه شده است. برای نمونه، ریموند ویلیامز در نوشتاری در باب «تاریخ مفهوم فرهنگ»، چهار کاربرد معاصر این مفهوم را تشریح می‌کند:

- فرایند کلی رشد فکری، معنوی و زیباشناختی؛
- شیوه به خصوص زندگی یک ملت یا گروه، شیوه‌ای از زندگی که در روح مشترک جامعه جلوه گر است؛
- آثار و فعالیت‌های فکری و به ویژه هنری؛
- سیستم نشانه‌هایی است که از طریق آن، نوعی نظم نوین اجتماعی عرضه، برقرار، تجربه و جست‌وجو می‌شود.
در تعاریف دیگری که از فرهنگ موجود است، فرهنگ را به مثابه ارزش‌های مورد قبول، هنجارهای پذیرفته‌شده و حتی کالاهای مادی توصیف کرده‌اند. شیوه‌های زندگی اجتماعی اعضای یک جامعه اعم از خوراک، پوشاک، آداب و رسوم و... نیز از دیگر تعاریفی است که آن را مترادف با مفهوم فرهنگ در نظر گرفته‌اند و بر همین اساس، فرهنگ را در دو بعد مادی و معنوی مورد توجه قرار داده‌اند.

فرهنگ مادی، متبوعی از فرهنگ معنوی به شمار می‌رود؛ چرا که نوع نگرش به هستی و جهان و ارزش‌های حاکم بر جوامع، در ساخت ابزار جدید زندگی اثرگذار است.^۱ از دیگر سو، فرهنگ مادی نیز بر فرهنگ معنوی تأثیری دارد؛ چرا که ایجاد هر ابزار جدیدی در زندگی بشر، ارزش‌های متناسب با آن را نیز متولد می‌کند^۲

مقوله فرهنگ؛ مؤلفه‌هایی را همراه خود دارد که هر یک دارای کارکرد خاصی هستند. برخی از این مقولات عبارتند از:
- فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و توسط افراد مختلف و از طریق فرآیند فرهنگ‌یابی و جامعه‌پذیری کسب می‌شوند؛ از این رو؛ فرهنگ به نوعی میراث اجتماعی یک جامعه محسوب می‌شود.

- افراد بشر در زندگی روزانه تابع الگوهای هستند که به جهت انس و عادت که با آنها دارند، از وجود آنها بی‌اطلاع هستند و این همان الگومندی فرهنگ است.

- فرهنگ به صورتی ناخودآگاه و در جریان جامعه‌پذیری درونی می‌شود؛ بدین صورت که فرهنگ در یک دوره زمانی شکل گرفته و در خلال نظام‌های تربیتی متفاوت، به افراد منتقل می‌شود.

حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای: «تهاجم

فرهنگی به این

معناست که یک

مجموعه سیاسی

یا اقتصادی برای

اجرای مقاصد خاص

خود و اسارت یک

ملت، به بنیان‌های

فرهنگی آن ملت

هجوم می‌برد. در

این هجوم باورهای

تازه‌ای را به زور و

قصد جایگزینی با

فرهنگ و باورهای

ملی آن مملکت وارد

کشور می‌کنند.»

راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت هاست»^۳

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در قالب تعریف تهاجم فرهنگی، هدف از این نوع هجوم را بی‌اعتقاد کردن نسل‌های جدید دانسته و می‌فرماید:

«تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن مملکت وارد کشور می‌کنند.

تهاجم فرهنگی برای بی‌اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد؛ هم بی‌اعتقاد کردن به دین و هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی و هم بی‌اعتقاد کردن به آن تفکر فعالی که امروز استکبار و قلمرو قدرت‌های استکباری را به خطر و وحشت انداخته است. در تهاجم فرهنگی، دشمن آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این کشور می‌کند که خودش می‌خواهد و معلوم است که دشمن چه چیزی را می‌خواهد.»

ایشان همچنین ابعاد تهاجم فرهنگی را این‌گونه بیان کرده‌اند:

«مسئله تهاجم فرهنگی که بنده بارها و بارها از آن اسم آورده‌ام و حقیقتاً و قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم، دو شاخه اساسی و مهم دارد که هر دو شاخه برای شما قابل توجه است. یکی عبارت است از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی به صورت آزاد و نرخ شاه‌عباسی انجام می‌گرفته است که با پیروزی انقلاب اسلامی بحمدالله قطع شد و اینها دارند فشار می‌آورند که همان کار باید انجام بگیرد. شاخه دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی و ارزش‌های جمهوری اسلامی و ارزش‌های ملت ایران که از طرف فرهنگی با نوشتن و تهیه فیلم و نمایشنامه‌ها و کتاب‌ها و فصلنامه‌ها و با هدایت بیگانه، امروز در کشور ما انجام می‌گیرد.»

باید توجه داشت که تبادل فرهنگی ملت‌ها در طول تاریخ همواره وجود داشته و از عوامل پویایی و تحرک فرهنگ‌هاست. تبادل فرهنگی فی‌نفسه برای تازگی معارف بشری و نیز رشد و تعالی جوامع انسانی، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا ملت‌های گوناگون با حفظ اعتدال و اصول انسانی و با رویکردی مثبت، بایستی به نشر و تبلیغ فرهنگ بومی خود بپردازند و در مقابل نیز بایستی فرهنگ سایر ملل را پس از بررسی و تطبیق با فرهنگ جامعه خود، رد و یا تأیید نمایند؛ لذا این حرکت، حرکتی متقابل و دوسویه است. حال آنکه در تهاجم فرهنگی، بدون در نظر گرفتن خواست و نیاز ملت‌های هدف و تنها با هدف تأمین نیازهای جهان سرمایه‌داری و نظم نوین جهانی؛ کشورهای مبدأ به انتقال یک‌سویه اطلاعات و فرهنگ مد نظر خود اقدام می‌کنند. این شرایط با تبادل

فرهنگی که در آن رضایت طرفین و خواست آنان برای ورود به عرصه انتقال فرهنگی مطرح است، تفاوتی آشکار دارد. حضرت آیت الله خامنه‌ای به تفاوت تبادل و تهاجم فرهنگی توجه داشته و می‌فرماید:

«اولاً این نکته را عرض کنم که بی‌نیاز نیست از این که در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه مسائل فرهنگی، آن مجموعه مسائلی که به آنها نام فرهنگ داده می‌شود، از ملت‌های دیگر بیاموزد. همیشه تاریخ نیز همین بوده است. ملت‌ها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی را، خُلقیات را، علم را، لباس پوشیدن را، آداب معاشرت را، زبان را، معارف را و دین را از یکدیگر فراگرفته‌اند. این، مهمترین تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده است؛ حتی مهم‌تر از تبادل اقتصادی و کالا. بسیار اتفاق افتاده است که این تبادل فرهنگی، به تغییر مذهب یک کشور انجامیده است! مثلاً در شرق آسیا، بیشترین عاملی که اسلام را به این کشورها - از جمله به کشور اندونزی، به کشور مالزی و حتی به قسمت‌های مهمی از شبه قاره - برد، دعوت مبلغین نبود؛ بلکه رفت‌وآمد آحاد ملت ایران بود. تجار و سیاحان ایرانی راه افتادند، رفتند، آمدند و در سایه این رفت و آمدهاست که شما می‌بینید ملت بزرگی که امروز شاید بزرگ‌ترین ملت اسلامی در آسیاست - یعنی اندونزی - مسلمان شده است. این اسلام را اول بار، نه مبلغین دینی برای آنها بردند و نه شمشیر و جنگ! اسلام را همین رفت‌وآمدها برد. خود ملت ما هم، در طول زمان، خیلی چیزها از ملت‌های دیگر آموخته است و این، یک روند ضروری برای تر و تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی در سرتاسر عالم است. این، تبادل فرهنگی است و خوب است.

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی - برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیرکردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند؛ اما به زور؛ اما به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی. این، اسمش تهاجم است. در تبادل فرهنگی، هدف، بارورکردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است، اما در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است. در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد. در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد. معلوم است که دشمن چه می‌خواهد! اگر در تبادل فرهنگی، ملتی که از فرهنگ بیگانه چیزی می‌گیرد، تشبیه به آدمی شود که در کوچه و بازار، غذا و دوای مناسب می‌خرد که مصرف کند؛ در تهاجم فرهنگی، ملتی را که تحت تهاجم قرار گرفته است، باید به بیماری که افتاده و خودش کاری نمی‌تواند بکند، تشبیه کنیم. آن وقت دشمن، آمپولی به او تزریق می‌کند و معلوم

فرهنگ؛ یا واقعی است و یا ایده‌آل. فرهنگ واقعی با فشارهای بیرونی به مردم، تغییر نمی‌کند؛ چرا که ضمانت اجرای اصلی هر فرهنگی؛ خود مردم، تمایل و تعلق ایشان به یک فرهنگ است.

فراوانی شده بود و روشنفکران وابسته در داخل کشور ما کاشته شده بودند.

از دوره مشروطیت به ویژه دوره پهلوی، مسئله جدایی دین از سیاست توسط روشنفکران غربزده مطرح گردید و به نتایج مؤثری نیز رسید. در این میان حتی کسانی دین را می‌پذیرفتند، آن را از سیاست و زندگی مردم جدا می‌دانستند و عقیده داشتند که قانون‌گذاری وظیفه مردم است و نباید آن را به خدا نسبت داد.

- انقلاب اسلامی که آمد، مثل مشتی به سینه مهاجم خورد؛ او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد ... مجدداً آن فرهنگ و اخلاق و آداب و خُلقیات اسلامی که در خمیره مردم ما بود، در آنان زنده شد، البته عمیق نبود. آن زمانی عمق پیدا می‌کند که روی موضوع چند سالی کار شود. این فرصت پیش نیامد و آن تهاجم، به تدریج و به مرور از سر گرفته شد. - تهاجم در اواسط دوران جنگ به وسیله ابزارهای تبلیغی و گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه شروع شد و آن ته‌نشین‌ها و رسوب‌های ذهنی و روحی خود ما مردم هم، در تأثیرگذاری‌اش مؤثر بود، اما باز حرارت جنگ مانع بود تا جنگ تمام شد.

- بعد از جنگ این جبهه به شکل جدیدی مشغول به کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری

است آمپولی که دشمن تزریق کند، چیست! این، فرق دارد با آن دارو و درمانی که خود شما بروید و آن را با میل انتخاب و وارد بدنتان کنید. این، تهاجم فرهنگی است.

پس تبادل فرهنگی به انتخاب ماست، اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است. تبادل فرهنگی انجام می‌دهیم تا کامل شویم؛ یعنی فرهنگ خودی را کامل کنیم، اما تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه‌کن کند ... تبادل فرهنگی در هنگام قوت و زور و توانایی یک ملت انجام می‌گیرد، ولی تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است.»

در پدیده تهاجم فرهنگی، فرهنگ مهاجم در طول زمان، جایگزین فرهنگ مورد هجوم می‌شود و بعد از مدتی فرهنگ مهاجم، خود را در میان ملت فرهنگ مقابل تثبیت خواهد کرد.

گفتنی است دشمن از راه‌های گوناگون، فرهنگ اسلامی - ایرانی ما را مورد نفوذ قرار داده است؛ راه‌هایی که در بیانات مقام معظم رهبری به خوبی قابل شناسایی هستند:

- دشمن بعد از آن‌که با ابزارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی به جایی نرسید، به ابزارهای فرهنگی؛ یعنی به تبلیغات، هنر، کتاب، مقاله، رمان، فیلم‌های وارداتی و تولید دیگر کالاهای فرهنگی و به وسیله

کسانی که در داخل ایران اسلامی زندگی

می‌کنند، اما دلشان برای ایران، برای مردم ایران، برای عقاید و مصالح این ملت نمی‌تپد، بلکه دلشان برای منافع آمریکا و برای چشمه‌های گل‌آلود و متعفن فساد در کشورهای غربی می‌تپد، پناه آورده‌اند.

- [دشمن] فرهنگ انقلابی حاکم بر ذهنیت جامعه را مورد هجوم قرار می‌دهد. در داخل جامعه به فرهنگ جامعه می‌پردازد؛ برای اینکه آن فرهنگ را دستکاری کنند، ذهن‌ها را مردّد می‌کنند و دل مؤمن مستقر را از حالت استقرار خارج و دچار تردید می‌کنند... دشمن از طرق مخصوص خود حمله به اُمّهات عقاید و پایه‌های فرهنگی جامعه را شروع می‌کند تا آنها را در دل‌ها سست کند. فرض بفرمایید مسئله زهد و پارسایی و حتی اعتقاد به اصل ولایت فقیه و از این قبیل را مورد حمله قرار می‌دهد.

شاید لازم باشد برای مقابله با چنین تهاجمی، نسبت به سابقه فعالیت‌های این چنینی بر ضد ملت ایران آگاه باشیم؛ چرا که قدمت تاریخی این نوع از تهاجم، عمق و اهمیت هشیاری ما نسبت به مقابله با این هجمه را آشکار می‌سازد.

تهاجم فرهنگی از چه زمانی آغاز شده است؟

- «[تهاجم فرهنگی] مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد، البته قبل از آن مقدمات آن فراهم شده بود، کارهای



امام خمینی: بر
فرهنگ اسلام تکیه
زنید و با غرب و
غرب‌زدگی مبارزه
نمایید و روی پای
خودتان بایستید
و بر روشنفکران
غرب‌زده و شقوق‌زده
بتازید و هویت
خویش را دریابید.

اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد ... با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود. فهمیدند باید عقبه ما را بمباران کنند ... عقبه ما در مبارزه با قلدری استکبار جهانی عبارت بود از فرهنگ ما. منطقه عقبه ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان به خدا، ایمان و علاقه به اسلام.

حرکت تهاجم فرهنگی در ایران

تهاجم فرهنگی راه‌ها و شیوه‌های گوناگونی دارد؛ نفوذ از طریق سینما، تلویزیون، تئاتر و در یک کلام رسانه. استفاده از روشنفکران بیمار در کشور، ایجاد جریان‌هایی برای به انزوا کشیدن فرهنگ ناب اسلامی و جریان انقلاب، استفاده از ابزارهایی جهت تحقیر نیروی اسلامی در مجامع بین‌المللی، سیاه‌نمایی و تحریف واقعیت در بازنمایی وقایع در سطح دنیا، عدم بیان و نمایش پیشرفت‌های همه‌جانبه علمی، اقتصادی، اجتماعی و ...؛ همه و همه از ابزارهایی است که فرهنگ مهاجم، به آرامی در فرهنگ ملت هدف نفوذ خواهد کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان خود این حرکت را در ایران این‌گونه بیان و دسته‌بندی می‌کنند:

- یکی از کارهای دشمن این بود که جریان ادب و هنر و فرهنگ را تحقیر و مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند.

- در مراکز فرهنگی کشور به آثار هنری جوانان انقلابی بی‌اعتنایی شد. یکی از کارهای دشمن، این شد که این مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند. جوان بی‌تجربه است. به مجرد این که ببیند در یک دستگاه رسمی کشور - مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور - دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنایی کردند، او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر می‌گذارد و او را کند می‌کند. یا مثلاً وقتی ببیند که در مجلات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط راه، بزرگ می‌کنند، برجسته می‌کنند، تعریف می‌کنند، این جوان دلش آب می‌شود و روحیه‌اش را از دست می‌دهد. وقتی یک فیلمساز، اثرش را به مراکز می‌برد که می‌توانند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتوانند کارش را ادامه دهند؛ اما با بی‌اعتنایی به او می‌گویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم. این طورش را قبول نداریم» و بعد در همان حال ببیند انواع و اقسام کارهایی که از لحاظ مایه‌های هنری از کار او کمتر است، اما چون مایه اسلامی ندارد مورد قبول آنهاست؛ این جوان به خودی خود، منزوی و ناامید خواهد شد. من بارها از اعماق جان، قلبم برای این جوانان مؤمن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تأسف خورده‌ام که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی‌اعتنایی شود؟! اینها هیچ چیزشان از آن کسانی که در جاهایی به عنوان هنرمند معروف شده‌اند، کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آنها خیلی هم بهترند، اما به اینها بی‌اعتنایی می‌شود. وقتی که انسان مطلب را به درستی کاوش می‌کند، می‌بیند سر رشته می‌رسد به اراده خبثت‌آمیزی در نقطه‌ای! مسئولان هم متوجه نیستند. مسئولان فرهنگی،

مردمان خوبی هستند؛ اما در سطوح بالا، از کارهایی که در سطوح متوسط انجام می‌گیرد، بی‌خبرند، لذا این جوان، این مجموعه جوانان و این جریان‌ها را، ناامید می‌کنند.

- در مجامع جهانی به آثار هنری با روحیات انقلابی بی‌اعتنایی شد. از جمله روش‌های دیگری که دشمنان در مجامع جهانی به کار زدند، این است - من این را، واقعاً احساس می‌کنم و از آن دردهای خاموش است. انسان دوست می‌دارد این چیزها را همه مردم، به وضوح بفهمند - که وقتی فیلم یا آثار و فرآورده‌های هنری ایران مطرح می‌شود، کاری که نشان از همین روحیات انقلابی در آن باشد، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد! این مجمع جهانی، مثلاً و به ظاهر، یک مجمع غیرسیاسی است؛ اما باطن قضیه، این طور نیست. شما دیده‌اید مجمع جهانی چه می‌کنند!

- دشمنان سعی کردند جوانان مؤمن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان منصرف کنند. (همان عاملی که یک تمدن را نگه می‌دارد).

- دشمنان تشکیلاتی را به وجود آوردند که جوان را در اوج نیروی جوانی فاسد کنند.

برای مقابله و مبارزه با تهاجم فرهنگی، راه‌های بسیار زیادی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ذکر شده که هر کدام دارای اهمیت خاص خود است. راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی را در سخنان رهبر معظم انقلاب می‌توان این‌گونه برشمرد:

- در مقابل تهاجم، عناصر مؤمن خودی می‌توانند بایستند. عناصر مؤمن خودی را، هر جا که هستند، گرمی بدارید. حرف من این است. من به مسئولان فرهنگی کشور، از وزارت آموزش و پرورش تا وزارت ارشاد اسلامی، تا سازمان تبلیغات اسلامی، تا بقیه مؤسسات و بنگاه‌های فرهنگی کشور، عرض می‌کنم به عناصر خودی تکیه کنید. منظور من این نیست که اگر کسی، جوان انقلابی نیست، دستش را بگیرد بگذاریدش بیرون؛ نه. چه کسی چنین چیزی را می‌گوید؟ اصلاً منطبق اسلام که این نیست؛ منطبق انقلاب که این نیست. میدان بدهید. به همه میدان بدهید. هر کس که می‌خواهد برای این ملت کار کند، کار کند. من می‌گویم اجازه منزوی شدن عناصر خودی را ندهید.

- حرکت همیشه نباید دفاعی باشد. شما در مقابل تهاجم دشمن باید موضع هجومی داشته باشید، نه دفاعی. ما در موضع حمله هستیم؛ ما در موضع تهاجم هستیم. آن فرهنگ غلط است حال ما بیایم به آن فرهنگ اجازه دهیم که در هنر ما وارد شوند؟

مسئله فرهنگ و مسئله صف‌آرایی در برابر دشمن را جدی بگیرید. این وظیفه ماست. این، آن چیزی است که بنده هم اگر در آن کشته شدم احساس می‌کنم در راه خدا کشته شده‌ام. مسئله، مسئله کوچکی نیست. دشمن ما را از اطراف محاصره می‌کند، از طریق کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون‌ها، صداها، بیگانه و خبرگزاری‌ها و جعل خبر و تولید انواع و اقسام وسایل فرهنگی ... اینکه

حضرت آیت‌الله
خامنه‌ای: «ملت‌ها در
رفت و آمدهایشان،
آداب زندگی را،
خلقیات را، علم را،
لباس پوشیدن را،
آداب معاشرت را،
زبان را، معارف را
و دین را از یکدیگر
فراگرفته‌اند. این،
مهمترین تبادل‌های
ملت‌ها با هم بوده
است؛ حتی مهم‌تر از
تبادل اقتصادی و
کالا»

با تمام توان سعی دارد تا فرهنگ ناب اسلامی را به فرهنگ نوظهور اسلام آمریکایی بدل کند؛ فرهنگی که در برابر تمام مطامع جهان غرب، سر تسلیم فرو آورده و از خویشتن تهی است.

آنچه خواندید، اشاره‌ای به ابعاد تهاجم فرهنگی و توجه خاص رهبری به این جبهه حساس بود. جهان غرب به ویژه آمریکا، با سرعت به نظم نوینی نزدیک می‌شود که در آن جوامع و سایر فرهنگ‌ها، جز منابع تغذیه جهان سرمایه‌داری به حساب نخواهند آمد. آمریکا در پی جهان تک‌قطبی است و هیچ رقیبی را نخواهد پذیرفت و ایران اسلامی نیز از این قاعده خارج نیست، لذا انقلاب ایران همواره برای جهان سرمایه‌داری عاملی خطرناک محسوب می‌شود که سدی در راه دستیابی به این هدف بنا نهاده است. این همان دلیلی است که جهان سرمایه‌داری ترفندهای گوناگونی را برای نفوذ در فرهنگ ناب انقلاب اسلامی به کار می‌گیرد؛ ترفندهایی که دیگر به راهکارهای نظامی گذشته هیچ شباهتی ندارند.

دنیای امروز، دنیای مقابله فرهنگی است و تنها راه سلطه، سلطه بر اذهان ملت‌هاست و این همان مهمی است که در بیان امام و رهبری، مورد غفلت مردم و مسئولان فرهنگی جامعه قرار گرفته است. باید کوشید با پیشرفت در ابعاد و زمینه‌های عقیدتی، علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، هنری و ... و با پایبندی به اهداف ناب اسلامی و همچنین ترویج الگوهای اسلامی ایرانی، در برابر حمله جهان سرمایه‌داری ایستاد و به مقابله با حجم عظیم حمله‌های فرهنگی پرداخت.

منابع:

۱. فیضی‌زاده، یونس، ۱۳۶۳؛ سخنی درباره فرهنگ، اطلاعات علمی، ۱۶ آبان.
۲. روح‌الامینی، محمود، ۱۳۷۲؛ زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۶؛ تهاجم فرهنگی، تحقیق عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴. مرکز صبا ۱۳۹۰. دغدغه‌های فرهنگی، موسسه جهادی.
۵. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ‌های: ۷۶/۱۲/۱۸، ۷۱/۵/۲۱ و ۷۱/۹/۴.

نمی‌شود! نظام اسلامی بایستی از خودش دفاع کند و برای دفاع از حقیقت اسلام و انقلاب، حرف گفتنی و سرمایه و ذخیره فرهنگی هم بسیار دارد.

با این وصف آنچه از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به دست می‌آید و تأکید فراوان ایشان از سالیان قبل تاکنون را به همراه داشته است، جدی گرفتن تهاجم دشمن در تمام ابعاد آن به خصوص فرهنگی است. دشمن با در دست داشتن ابزار و وسایل پیشرفته و با جدیتی که در باطن خود دارد، روز به روز به تهاجم فرهنگی خود می‌افزاید و ذره ذره سعی دارد در فرهنگ ناب اسلامی ایرانی نفوذ کرده و به استحاله آن بپردازد. آنجاست که تنها راه مقابله با این هجوم، بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب، «بصیرت» و «زنده کردن ارزش‌های اسلامی» و «توجه به ارزش‌های انقلابی» است. جوان امروز در برابر حمله‌ای از اطلاعات، آثار و برنامه‌های فرهنگی فاسد قرار دارد و اگر تلاشی همه جانبه جهت زنده کردن عقبه عقیدتی خود نداشته باشیم و سلاح بصیرت و باور را در میان اقشار جامعه رواج ندهیم، چه بسا دشمنان جبهه فرهنگی، هر لحظه به خیمه‌گاه کانونی جامعه نزدیک‌تر شوند و قلب و روح آحاد ملت را تحت سلطه خود درآورند.

به همین منظور لازم است ابعاد این تهاجم به صورت روشن و دقیق مورد بررسی قرار گیرد و تمام راه‌های نفوذی دشمن - که همان ضعف‌های درونی جامعه است - شناسایی گردد. از این طریق تمام مساحت هدف حمله، نقاط آسیب‌پذیر و توان دفاعی و تهاجمی کشور، و نیز راه‌ها و ابزار این تهاجم شناسایی شده و می‌توان در موقعیت مناسب و برابر، وارد این جبهه فرهنگی شد.

در دیگر سو، فرهنگ غنی اسلامی بایستی مورد مطالعه عمیق قرار بگیرد تا شناختی دقیق و همه‌جانبه نسبت به این فرهنگ جهان‌شمول حاصل آید. با شناخت این فرهنگ، ترویج و تبلیغ گسترده آن در سطوح وسیع امکان‌پذیر می‌شود و از دیگر سو، اقشار مختلف جامعه، خصوصاً قشر جوان، در برابر تهاجم دشمن ایمن خواهند شد.

تدوین برنامه‌های فرهنگی کارآمد، در راستای زنده نگاه داشتن ارزش‌های اسلامی و باورهای انقلابی می‌تواند منجر

به اصلاح و بازسازی بخش‌های تخریب‌شده توسط دشمن در میدان نبرد فرهنگی باشد. به کارگیری هر سه راهکار، می‌تواند در درازمدت منجر به مقاومت و نهایتاً پیروزی فرهنگ غنی اسلامی گردد.

این آشفتنگی که امروز در عرصه فرهنگی در جامعه شاهد آن هستیم، حاصل بی‌توجهی به دغدغه‌ای است که در جای‌جای بیانات مقام معظم رهبری به چشم می‌خورد؛ اینکه دشمن



مقام معظم رهبری:
«در تبادل فرهنگی،
آن ملتی که از
ملت‌های دیگر چیزی
می‌گیرد، می‌گردد
چیزهای مطبوع و
دلنشین و خوب
و مورد علاقه را
می‌گیرد. در تهاجم
فرهنگی، دشمن
می‌گردد آن نقطه‌ای
از فرهنگ خود را
به این ملت می‌دهد
و وارد این ملت
می‌کند که خودش
می‌خواهد.»